

کوه جماعت رجوی در پاسخ اشپگل موش زاید

از طریق مقاله ی آقای حنیف حیدر نژاد از گزارش مجله ی اشپگل و پاسخ

شورای ملی مقاومت به آن مطلع شدم. به نظر من مقاله ی آقای حیدر نژاد با حفظ اصل بیطرفی و نگاه منصفانه، مطلب ناگفته ای باقی نمیگذارد. اما خواستم به اختصار به چند نکته که بعضا تجارب خودم از درون سازمان و به این گزارش مربوط می شود، اشاره کنم

جدای از نکات نادرستی که در گزارش آمده است و آقای حیدر نژاد به آن اشاره کرده اند. از جمله حضور مجاهدین در آمریکا برای آموزش نظامی و یا عدم دسترسی اعضای مجاهدین به ساعت و تقویم و مواردی از این دست که عملا چنانکه خواهیم دید، به نفع جماعت رجوی هم تمام میشود، باید بگویم که روح و جوهر گزارش قابل انکار نیست و با گذشت زمان هر چه بیشتر از ماهیت این جماعت بیشتر پرده برداشته خواهد شد

قبل از هرچیز به این نکته باید توجه کرد که عمده ی توجه مجاهدین در این پاسخگویی در وهله ی اول نیروهای خودشان است. درعین حال که از پاسخ دادن به محتوای مطلب ناگزیر است ولی آنچه که هدف اول و نقطه ی کانونی تمرکز اطلاعیه است نه افکار عمومی بلکه نیروهای خودی است. اساسا در مناسبات مجاهدین دسترسی به اینترنت بسیار محدود و کنترل شده است. یک شبکه ی نت درونی محدود وجود دارد که افراد فقط به آن شبکه میتوانند وصل شوند. سایتهای قابل دسترسی در حد چند سایت انگشت شمار است که متعلق به سازمان است از قبیل ایران افشاگر و سایت رسمی سازمان... افرادی که بخواهند اطلاعات بیشتری جدای از اخبار رسمی به دست بیاورند یکی از شگردهای مورد علاقه اشان که شخصا همواره به آن متوسل میشدم خواندن پاسخ سازمان به مقالاتی بود که در ضدیت با سازمان نوشته شده بود. از خلال سطور جوابیه می دانستیم که الان مثلا در بیرون در باره ی محدودیتهای سازمان چه چیزهایی گفته میشود.

بعضی از انتقادات به سازمان و نقض حقوق بشر مانند عدم دسترسی به موبایل، که توسط دیگران مطرح می شد، در ابتدا از اعضا مخفی نگه داشته میشد ولی به مرور وبا حضور نیروهای امریکایی و نیروهای سازمان ملل این بحث عمومی شد که در بیرون به ما اتهام می زنند که شما افرادتان به موبایل دسترسی ندارند و آنگاه چنین توجیه می کردند که عراقیها مانع تهیه ی موبایل

هستند، توجیه مسخره ای که تنها پوزخند شنونده را به دنبال داشت. بسیار پیشتر از آن که هنوز عراقیها در اشرف نبودند و کنترل تماما به عهده ی امریکایی ها بود معدود موبایلهای\* موجود هم تنها در خدمت کار مشخص بود و استفاده از آن در اتاق مشخص با کنترل یک افسر کنترل و همواره به صورت دو نفره و فقط برای نفرات مشخصی اوکی میشد. و هیچکس تحت هیچ شرایطی امکان استفاده فردی از موبایل مزبور را نداشت غرض از توضیح فوق این است که اگر در متن پاسخ سازمان دقت کنید هیچ جا مطالب گزارش اشپیگل بیان نمی شود و پاسخها چنان تنظیم شده که مشخص نیست که مقاله ی اصلی چه بوده است، تا مبدا خواننده از خلال پاسخ، مطالب مطرح شده و ادعای نویسنده ی گزارش را دریابد

عمده پاسخ به سوابق امر و مکاتبات بین سردیر اشپیگل و نمایندگی شورا اختصاص دارد و مشخص نیست نماینده ی شورا که اینقدر سخاوتمندی و حسن نیت داشته که مقالات ایران اینترلینک را ترجمه کرده و در اختیار ایشان می گذارد چرا این سخاوت و حسن نیت را در رابطه به اعضای سازمان ندارد و آنجا که به پرسش و پاسخها اشاره دارد تنها به لینکی ارجاع میدهد که به زبان آلمانی است، حال اینکه این لینک اساسا در اینترنت محدود درونی جماعت رجوی باز می شود یا خیر بماند، اساسا چند درصد از اعضای سازمان به زبان آلمانی مسلط هستند؟

همینجا خوب است اشاره کنم که بعد از سقوط نظام سابق عراق و حضور آمریکاییها در اشرف که امکان سرکوب اعضا به شکل سابق وجود نداشت، موسسه دیدبان حقوق بشر گزارشی از نقض حقوق بشر در مورد سازمان تهیه کرده بود که سازمان با توجه به حضور نیروهای آمریکایی و محدود نبودن فضای ارتباطی مجبور به مطرح کردن آن برای اعضا بود. البته تنها پاسخ سازمان را

مطرح کردند و برای اینکه کسی متن گزارش را نخواهد در نشست گفته شد که گزارش به زبان انگلیسی است و به زبان فارسی منتشر نشده و ما هنوز آن را ترجمه نکرده ایم. این گزارش هیچگاه ترجمه نشد. از این نشست اعضا می توانستند متوجه تغییر شرایط بشوند که سازمان در حال حاضر مجبور است که چنین نشستهایی بگذارد و دستشان برای سرکوب و ایجاد محدودیت بسته است. کمااینکه همان شبکه ی بسته و بسیار محدود نت درونی را هم بعد

از این دوران بود که ایجاد کردند.

البته تهیه کنندگان پاسخ، این میزان از درایت را داشته اند که به چند مورد از ادعاهای اشپیگل اشاره کنند تا پاسخ کمی منطقی جلوه کند و این اتفاقا همانجایی است که اشپیگل به خطا رفته و این اتفاقا همانجایی است که جماعت رجوی مدعی است دست وزارت اطلاعات در کار است که وجهه ی جماعت را

خراب کند و فتوای قتل و ... آنها را صادر کند. به نظر می رسد که جماعت از اینکه وزارت اطلاعات بجای اطلاعات درست و آنچه واقعا در کمپ آنها می گذرد به تبلیغات مضحک و آخوندی متوسل شده است زیاد هم ناراحت نیست و اتفاقا همین نکات، مفری شده است که نگارنده ی پاسخ اشپیگل از تنگنا به درآمده و روی این موارد مانور کند موارد مضحکی مثل نبود ساعت یا تقویم و یا تمرین پاره کردن گلو و از این دست ..بغیر از این موارد ، پاسخ شورا به اشپیگل تنها به برچسب زدن و تهمت می پردازد اما اساسا متوجه این موضوع هست که این اتهامات بدون اشاره به محتوای گزارش باشد

جالب اینکه در قسمتی از پاسخ، به مقاله دیگری از اشپیگل اشاره می کند و می نویسد

اشپیگل آنلاین در تاریخ ۲۳ ژانویه باردیگر به انجام وظیفه پرداخت و با سوء استفاده از یک دعوای سیاسی در اسپانیا فرصت را برای تاخت وتاز علیه مجاهدین مغتتم شمرد

این دعوای سیاسی که جواویه مدعی آن است، درواقع **افتضاح کمک مالی جماعت رجوی به یک حزب دست راستی اسپانیایی** است که این چنین باز هم از اشاره به محتوای گزارش طفره رفته و صرفا به بیان نکات دلخواه می پردازد. دلیل آنهم کاملا واضح است: آنکه در این میان نامحرم است و نباید از این پاسخ دریابد که دعوا برسر چه بوده، همانا اعضای نگون بخت سازمان هستند والا که. رسوایی این کمک مالی که عالمگیر شده است

جواب جماعت به اشپیگل از طرفی با زیاده گویی و بیهوده گویی و پراکنده گویی سعی در گیج و خسته کردن خواننده دارد و به جای پاسخ دادن به تک تک موارد روی تاریخچه ای عمدتا بی ربط متمرکز میشود و با تهمت زدن و اتهام پراکنی سعی در پنهان کردن واقعیت دارد. این برای هیچ ایرانی شریفی که دشمن اصلی اش همانا ملاهای جنایتکار هستند قابل تحمل نیست که این چنین بزرگترین تشکیلات اپوزیسیون را که میتوانند گام های جدی و موثری در راه تحقق آمال و ارزوهای مردم بردارد به چنان موضع فلاکتباری بیندازد که اکنون عمده ترین کارش که از عهده ی آن هم برنیامده است ، رفع و رجوع کردن سیاهکاریهایش باشد.

مقاله ای طویل پر از اتهام و فرافکنی که نوبسنده آن تنها هدفش این است که ضمن زیاده گویی و کاغذ سیاه کردن هم به اصطلاح صورت خود را با سیلی سرخ نگه دارد و هم اینکه مانع از این شود که اعضای جماعت از محتوای گزارش مطلع شوند

چنانکه در این مورد خاص مشاهده میشود اتفاقا دروغگویی رژیم به مجاهدین این امکان را میدهد که از پاسخگویی به موارد جدی نقض حقوق بشر و شکنجه و زندان که شخصا شاهد آن بوده ام شانه خالی کند و روی موارد به وضوح پوشالی و غیر واقعی مانور دهد و همه ی سیاهکاریهای خودش را به این چند دروغ مصادره کند. کاری که جماعت نشان داده در آن تبحر دارد.

\*

موبایلهای مذکور تماما موبایلهای قدیمی بود که هیچ گونه امکان اینترنت نداشت و با اسمارت فونهای مرسوم اساسا قابل قیاس نبود و تنها به کمک آن امکان برقراری تماس تلفنی میسر بود. البته همین امکان محدود هم به شدت کنترل شده و در ساعات مشخص و در مکان مشخص و با رعایت اصول و ضوابط خاصی که اشاره شد در دسترس بود

مجتبی زرگر ۴ مارس ۲۰۱۹